نقد نظر
شماره هشتم
شهریور ۱۴۰۵
۴

ایران‌شناسی و چالش ایران‌زدایی در پژوهش‌های تاریخ معماری قفقازیّه

بهرام آجورلو
عضو هیئت علمی گروه باستان‌شناسی، دانشکدۀ حفاظت آثار فرهنگی، دانشگاه هنر اسلامي تبریز، ایران

سبک‌شناسی معماری تاریخی ایران یکی از جستارهای میان‌رشته‌ای ایران‌شناسی است که هر سه حوزۀ تاریخ هنر، باستان‌شناسی و معماری ایران را دربرمی‌گیرد؛ اما به‌رغم گذشت بیش از یک سده از پژوهش‌های سبک‌شناسی معماری تاریخی ایران، آسیب‌شناسی سیاسی و چالش ایران‌زدایی در این حوزه چندان که باید و شاید مورد توجه پژوهش‌گران ایران‌شناسی نبوده است؛ این آسیب از دو منظر معنای ایران در تاریخ معماری ایران و بازتاب مفهوم و ایدۀ فرهنگ ایرانی در آثار معماری مرزهای تاریخی-فرهنگی ایران جای نقد و بررسی دارد که مایه و پایۀ نقد نویسندۀ نوشتار حاضر برای بررسی مسئلۀ قفقازیّه هستند.

در مقدمه، اگر نمونه‌وار گفته شود، گرچه آثار قلمی کیانی و پیرنیا در بارۀ تاریخ و سبک‌شناسی معماری ایران، دست‌کم در سه دهۀ گذشته، بیش از هر اثر دیگری، چونان درس‌نامه‌ای دانشگاهی، بارها تجدید چاپ و نشر و به جامعۀ دانشگاهی ایران عرضه شده‌اند، اما بیش از هر اثر دیگری نیز دارای چالش‌های ایران‌شناختی‌اند. کیانی (۱۳۷۴) در کتاب تاریخ هنر معماری ایران در دورۀ اسلامی روند تاریخی فراگشت و دگرگشت معماری ایران را صرفا بر مبنای نمونه‌های موجود درون مرزهای سیاسی ایران امروزین بحث و بررسی کرده و با سکوت دربارۀ آثار معماری فرهنگ و تمدن ایرانی در هرات و کابلستان، خجند و فرغانه، آناتولی، هندوستان و ماوراءالنهر و قفقازیّه، چالشی ایران‌شناختی را سبب شده است؛ تو گویی به مرو و هرات، سمرقند و بخارا، گنجه و نخجوان و شیروان اثری از معماری ایرانی هرگز نبوده است. افزون بر کیانی، هر چند اثرگذاری شیوه‌های معماری آذربایجان سده‌های ششم تا نهم هجری بر معماری دیگر سرزمین‌های ایرانی سبب شده است که پیرنیا (۱۳۵۰، ۱۳۵۴، ۱۳۶۹، ۱۳۸۰) در سبک‌شناسی معماری دوران اسلامی ایران سبکی به نام آذری را پیشنهاد کند، اما نظریۀ سبک‌شناختی غیرباستان‌شناختی و بیگانه از جغرافیای تاریخی ایران وی نیز در تبیین ایران‌شناسانۀ میراث معماری قلمروی تاریخی-فرهنگی ایران ناتوان بوده است و ناکارآمد؛ چون‌که ایران پیرنیا، همانند

DOI: 10.22034/2.8.74
Email: ajorloo@tabriziau.ac.ir
نشریه مکتب نقدنظر، ۲ (۸): ۷ - ۴ تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۲۵ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-09-14]
[DOI: 10.22034/2.8.74]

ایـران کیانـی، همیـن مرزهـای سیاسـی ایران امروز اسـت و بـس. پیرنیا در بررسـی سـبک معروف بـه آذری به پیوندهـا و اندرکنش‌هـای دو سـوی ارس و آذربایجـان و قفقازیّـه توجهی نداشـته اسـت؛ گویا بـرای وی قفقازیّه نیـز چـون روس و پـروس سـرزمینی بـوده اسـت دور از ایـران.

اگـر چـه در نـگاه نخسـت، شـاید وضعیت روابـط ایران و اتحاد جماهیر شـوروی سوسیالیسـتی سـابق کمابیش بهانـه‌ای بـرای توجیـه آسـیب‌های ایران‌شـناختی سبک‌شناسـی پیرنیـا بـه نظـر آیـد، امـا دامنـهٔ ایران‌زدایـی از تاریـخ معمـاری ایـران بسـی فراتـر از سبک‌شناسـی بیگانـه از قفقازیّـهٔ کیانـی و پیرنیـا رفتـه اسـت؛ بدیـن معنـا کـه ایران‌زدایـی سـنگ بنـای تاریـخ معمـاری جمهـوری آذربایجـان بـوده اسـت و هسـت؛ ایـن فراینـد ایران‌زدایـی در یـک سـدهٔ گذشـته دو مرحلـهٔ تاریخـی داشـته اسـت: مرحلـهٔ نخسـت آن، هفـت دهـهٔ اتحـاد جماهیـر شـوروی سوسیالیسـتی سـابق بـود و مرحلـهٔ دوم، سـه دهـهٔ پـس از فروپاشـی پـردهٔ آهنیـن؛ و نمود هـر دو مرحلـه نیز نمایـش گسسـتگی فرهنگی-اجتماعی-تاریخی قفقازیّـه بوده اسـت از ایـران. ویژگی مرحلهٔ اول، آفرینـش یـک تاریـخ معمـاری مسـتقل از فرایندهـای تاریخـی نه‌تنهـا ایـران کـه حتـی آسـیای غربـی اسـت؛ و البتـه آن‌جـا کـه سـخن از بسـترهای فرهنگی-اجتماعی-تاریخـی معمـاری جمهـوری آذربایجـان بـه میـان می‌آیـد، ایـن بسـترها تنهـا در جمهوری‌هـای نظـام شـوروی سـابق جسـت‌وجو می‌شـوند؛ امـا در مرحلـهٔ دوم، نظریـهٔ هنـر ترکی-اسـلامی رواج می‌یابـد و تاریـخ معمـاری جمهـوری آذربایجـان بـرای بـار دوم بازنویسـی می‌شـود. سـزاوار اسـت کـه نویسـنده در این‌جـا دو واقعیـت را یـادآوری کنـد: نخسـت این‌کـه بـه اعتـراف محمدامین‌رسـول‌زاده (۱۳۰۱) بنیان‌گـذار دولـت جمهـوری آذربایجـان و سـردبیر پیشـین روزنامـهٔ ایـران نـو، ایـن سـرزمین را روسـیهٔ تـزاری از ایـران جـدا کـرد و اطـلاق نـام آذربایجـان بـر آن‌جـا، غیرتاریخـی و اصالتـا قـراردادی اسـت و دوم آن‌کـه هـر چنـد نظریـهٔ هنـر ترکی-اسـلامی در دهـهٔ ۱۹۳۰ م. بـر مبنـای آرای کمالیسـم دربـارهٔ هنـر و معمـاری عثمانـی صورت‌بنـدی شـده بـود، امـا بـه تدریـج از دهـهٔ ۱۹۹۰ م. بـرای جمهوری‌هـای ازبکسـتان، ترکمنسـتان، قرقیزسـتان و قزاقسـتان بـه کار آمـد و سـرانجام بـه جمهـوری آذربایجـان تعمیـم یافـت (ن.ک. Karakozak, 2021).

از صاحب‌قلمـان مرحلـهٔ نخسـت کـه پیـش‌گام ایران‌زدایـی از تاریـخ معمـاری جمهـوری آذربایجـان هسـتند، باید اشـاره شـود به عبدالوهاب سـلام‌زاده (Salamzadeh, 1976)، رعنـا افنـدی‌زاده (Efendizade, 1986) و بریتانیسـکی (Bretanizki et al., 1988). در پژوهش‌هـای سـلام‌زاده کـه بـرای اولیـن بـار آثـار معمـاری اسـلامی نخجـوان را تحـت عنـوان مکتـب معمـاری نخجـوان طبقه‌بنـدی و معرفـی کـرده اسـت، نه‌تنهـا پیشـینهٔ تاریـخ و معمـاری نخجـوان در آثـار و منابـع تاریخـی ایرانـی سـده‌های میانـه جسـت‌وجو نمی‌شـود بلکـه وی دربـارهٔ کتیبهٔ شـعر فارسـی آرامـگاه برجی مؤمنه‌خاتون نیز سـکوت کـرده اسـت (Ajorloo, 2020). جالـب این‌کـه همیـن آرامـگاه برجـی مؤمنه‌خاتـون به‌رغـم کتیبـهٔ شـعر فارسـی‌اش و انتسـاب بـه خواهـر کریمـهٔ ثامن‌الحجـج (ع) در دهـهٔ ۱۹۹۰ م. بـه عنـوان اثـری ترکی-اسـلامی طبقه‌بنـدی و معرفـی شـد (ن.ک. Yazar, 2000). افنـدی‌زاده نیـز تاریـخ آثـار معمـاری پیش‌ازاسـلام و سـده‌های میانـهٔ جمهـوری آذربایجـان را بی‌توجـه بـه تاریـخ معمـاری ایـرانْ بحـث و بررسـی و آن را فراینـدی درون‌زا معرفـی کرده اسـت. کتـاب هنـر آذربایجـان بریتانیسـکی و همـکاران وی کـه به مناسـبت هفتادمین سـال‌گرد تأسـیس جمهوری سوسیالیسـتی آذربایجـان شـوروی در آلمان‌شـرقی سـابق منتشـر شـد، دیگـر نمونـه‌ای اسـت قابـل تأمـل از روایـت تاریـخ معمـاری یـک قفقازیّـهٔ گسسـته از تمـدن ایرانی.

کوتـاه سـخن این‌کـه، در هـر سـه اثـر صدرالاشـاره، فراینـد تاریـخ معمـاری جمهـوری آذربایجـان نـه یـک فراگشـتْ بلکـه آفرینـش اسـت؛ و البتـه اگـر دامنـهٔ جغرافیایـی ایـن تاریـخْ تمـام و کمال بـه قفقازیّـهٔ جنوبی و مرزهـای آن جمهـوری فروبسـته نشـود، دسـت‌کم از مرزهـای تاریخـی سـرزمینی کـه آن را آذربایجـان

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-09-14]
[DOI: 10.22034/2.8.74]

جنوبی نامیده‌اند و گویا در جنگ‌های ایران و روس به اشغال ایران درآمد، هرگز فراتر نمی‌رود؛ این شیوه از تاریخ‌نویسی مبتنی‌بر تاریخ‌زدایی، یادآور همان شیوه‌ای از تاریخ‌سازی استعماری است که راجر ماتیوز (Mattews, 2007) بدان اشاره کرده است: فرایند ملت‌سازی عربی در خاورمیانهٔ فردای فروپاشی خلافت عثمانی، نیازمند تاریخ‌سازی بود!

مجموعهٔ قلم‌فرسایی‌های جعفر علی‌اوغلو قیاسی در عرصهٔ تاریخ معماری آذربایجان از دیگر نمونه‌های شاخص ایران‌زدایی است (Qiyasi, 1985, 1991) که هر دو مرحلهٔ اول و دوم پیش‌گفته را دربرمی‌گیرد؛ کارهای قیاسی دو ویژگی شایان توجه دارند: نخست این‌که دامنهٔ اثرپذیری و اثرگذاری فرهنگی-اجتماعی-تاریخی معماری جمهوری آذربایجان با تأکید بر جمهوری‌های ازبکستان و ترکمنستان و بی‌توجه به نقش ری و خراسان در انتقال تاریخی-جغرافیایی فرایندهای فرهنگی-اجتماعی و سیاسی معماری میان آن‌ها به تصویر کشیده می‌شود؛ و دوم آن‌که در بحث از تبریز و آثار معماری آذربایجان تاریخی، بار دیگر با روایتی برساخته از تاریخ مواجه می‌شویم که آذربایجان جنوبی نام دارد و آن‌جا که قیاسی به جغرافیای تاریخی برهم‌کنش‌های فرهنگی-اجتماعی معماری تبریز سده‌های هفتم تا نهم هجری اشاره می‌کند، کلیدواژهٔ ایران معنا ندارد؛ ناگفته نماند که از این نظر، کارهای قیاسی کمابیش شبیه پیرنیاست: هر دوی ایشان دربارهٔ سبکی به نام آذری یا آذربایجانی قلم فرسوده‌اند، اما با این تفاوت که ایران‌پریشی تاریخ‌زدای یکی بیگانه است از قفقازیّه و دیگری گریزان از ایران.

هم‌چنین شایان توجه است که در آثار قلمی هر چهار نویسندهٔ پروردهٔ آکادمی علوم شوروی سابق که کارهای ایشان از نمونه‌های ماندگار تاریخ و سبک‌شناسی معماری جمهوری آذربایجان به شمار می‌آیند، نوعی سکوت یا دست‌کم بی‌توجهی نسبی به اثرگذاری میراث معماری ساسانی بر معماری سده‌های میانهٔ قفقازیّه دیده می‌شود؛ گویا هر چهار صاحب‌قلم هم نیک می‌دانند که تاریخ ساسانی قفقازیّه با کلیدواژگان ایران و ایران‌شهر پیوندی ناگسستنی دارد.

نمایش گسستگی تاریخی-فرهنگی-اجتماعی معماری قفقازیّه و ماوراءالنهر از ایران، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی وارد مرحلهٔ دوم شد؛ در این مرحله، برای نمونه، کتاب معماری جمهوری‌های ترک، تاریخ و سبک‌شناسی معماری اسلامی جمهوری‌های مسلمان شوروی سابق را بر مبنای نظریهٔ هنر ترکی-اسلامی واسازی و از نو صورت‌بندی کرده است (ن.ک. Altun, 1990; Aslanapa, 1996; Yazar, 2000). ویژگی مشترک نویسندگان مرحلهٔ دوم، برساخت روایتی مبتنی‌بر نادیده گرفتن آگاهانهٔ همهٔ پژوهش‌هایی است که سبک‌شناسی معماری قفقازیّه و ماوراءالنهر را در پیوند با تاریخ معماری ایران اسلامی و پیش‌ازاسلامی بحث و بررسی کرده‌اند که از آن‌ها برای نمونه می‌شود به کتاب تاریخ میراث معماری ایران نوشتهٔ زاره اشاره کرد که میراث معماری نه‌تنها نخجوان که حتی قونیه را اصالتا ایرانی می‌دانست (Sarre, 1901).

کتاب صهیونیستی مرزها و برادران: ایران و چالش هویت آذربایجانی واپسین نمونه از کتاب‌سازی‌هایی است که در فردای فروپاشی شوروی کوشش کرده‌اند تا نمایش گسستگی تاریخی-فرهنگی قفقازیّه از ایران را هم‌چنان روی صحنه نگه‌دارند (ن.ک. Shaffer, 2002). البته همان‌گونه که در نقد این اثر صهیونیستی آمده است، تاریخ‌زدایی این کتابْ بازتاب گزینش سیاسی روایت‌های تاریخی برای نمایش بیگانگی ریشه‌های فرهنگ و تاریخ جمهوری آذربایجان از تاریخ و تمدن ایران است (Atabaki, 2004). وانگهی پس از فروپاشی نظام شوروی بود که حقیقت عریان ایران‌زدایی از قفقازیّه به روش پاک‌سازی سبکی و تاریخی بیش از پیش نمایان شد: در جمهوری ارمنستان، تنها دو اثر مسجد کبود ایروان و آرامگاه برجی نیمه‌ویران امیر پیرحسین قراقویونلو را از روند پاک‌سازی معاف کرده بودند؛ البته مسجد

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-09-14]
[DOI: 10.22034/2.8.74]

کبـود ایـروان مجموعـه‌ای دارای مدرسـه و گرمابـه و کاروان‌سـرا بـود کـه از ایـن مجموعـه تنها مسـجد را برای کاربـری مـوزه نگه‌داشـته بودنـد (ن.ک. Bournoutian, 1992; Mamedow & Myradow, 2024).

نتیجـه این‌کـه، از منظـر نویسـنده، مقدمـهٔ روش‌شـناختی و لازمـهٔ معرفت‌شـناختی ورود بـه هـر بحـث و پژوهشـی دربـارهٔ تاریـخ معمـاری و سبک‌شناسـی معمـاری تاریخـی ایـران، شـناخت و آشـنایی بـا جغرافیای تاریخـی و مرزهـای تاریخی-فرهنگـی ایـران و تاریـخ فرهنـگ مردمـان ایرانی‌تبـار اسـت؛ همـان ایرانـی کـه به نوشـتهٔ نزهت‌القلـوب، مرزهـای آن از رود دجلـه تـا رود بلـخ و از دربنـد قفقازیّـه تـا خلیج فـارس امتداد داشـت؛ و روزگاری نـه چنـدان دور، همیـن جمهوری‌هـای سـه‌گانهٔ قفقازیّـه را دربرمی‌گرفـت.

منابع

- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۵۰). سبک شناسی. *هنر و معماری*، ۱۰-۱۱.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۵۴). سبک آذری. *فرهنگ معماری ایران*، ۱.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۶۹). *شیوه‌های معماری ایرانی*. مؤسسهٔ نشر هنر اسلامی.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۸۰). *سبک‌شناسی معماری ایرانی* (غ. معماریان، ویراستار). نشر پژوهنده و نشر معمار.
- رسول‌زاده، محمدامین. (۱۳۰۱). *آذربایجان جمهوریتی کیفیت تشکلی و شیمدی‌کی وضعیتی*. استانبول اوقاف اسلامیه مطبعه‌سی.
- کیانی، محمد یوسف. (۱۳۷۴). *تاریخ هنر معماری ایران در دورهٔ اسلامی*. سمت.
- مستوفی‌قزوینی، حمدا... (۱۳۳۶). *نزهت‌القلوب* (ویراستهٔ محمد دبیرسیاقی). انتشارات طهوری.

- Ajorloo, B. (2020). From Maragheh to Nakhchivan, The De- Historization of Iran in the Late Seljukid Architectural Tradition of the Tower Tombs in Azerbaijan. *Journal of Iranian Islamic Period History, 11*(23), 1-19. https://doi.org/10.22034/jiiph.2020.11368
- Altun, A. (1990). *An Outline of Turkish Architecture in the Middle Ages* (S. Turunc, Trans.). Arkeoloji ve Sanat Yayinlari.
- Aslanapa, O. (1996). *Türk Cumhuriyetleri Mimarlık Abideleri*. Türk Kültür Sanatları Ortak Yönetimi.
- Atabaki, T. (2004). Brenda Shaffer, Borders and Brethren, Iran and the Challenge of Azerbaijan Identity. *Slavic Review, 63*(1), 178-9.
- Bournoutian, G. (1992). *The Khanate of Erevan under Qajar Rule 1795-1828*. Mazda Publishers.
- Bretanizki, L. et al. (1988). *Die Kunst Aserbaidschans: Vom 4. Bis 18 Jarhundert*. Koehler & Amelang Verlag..
- Efendizade, R. M. (1986). *Architecture of the Soviet Azerbaijan*. Strojizdat.
- Karakozak, A. N. (2021). The Relationship between art and religion: Turkish-Islamic artworks. *Antakiyat Journal of Social and Theological Studies, 24*(2), 361-76. https://dergipark.org.tr/en/pub/antakiyat/article/978856
- Mamedow, M., & Myradow, R. (2024). *Шатровіе покрытия В меториальной архитектуре центральной И зазадной азии*. Asyrlaryň Yzlary, 2, 211-41.
- Matthews, R. (2007). *The Archaeology of Mesopotamia: Theories & Approaches*. 4th print. Routledge
- Qiyasi, C. Ə. (1985). *Yaxin Uzaq Ellər›də*. Işiq Nəşriyati.
- Qiyasi, C. Ə. (1991). *Nizami Dövrü Me›marliq Abidələri*. Işiq Nəşriyati.
- Salamzada, A. R. (1976). *Əcəmi Əbubəkr Oğlu Naxçivani Me›marliq Abidələri*. Işiq Nəşriyati.
- Sarre, F. P. T. (1901). *Denkmäler Persischer Baukunst : Geschichtliche Untersuchung und Aufnahme Muhammedanischer Backsteinbauten in Vorderasien und Persien*. Verlag von Ernst Wasmuth.
- Shaffer, B. (2002). *Borders and Brethren: Iran and the Challenge of Azerbaijani Identity*. MIT Press.
- Yazar, T. (2000). *Nahcivan'da Türk Mimarisi*. Türk Tarih Kurumu Yayinlari.

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained bye the authors with publication rights granted to Journal of Critical Reviews (JCR); The Iranian Journal of Critical Studies in Place. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (https://creativecommons.org/version4/)

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-09-14]

[DOI: 10.22034/2.8.74]